

# سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۱۱

تاریخ تأیید: ۸۷/۱۲/۵

علی محمدی جورکویه\*

## چکیده

منطقه ممنوع رفتاری در امور جنسی در سیاست جنایی اسلام، بسیار محدودتر از آن چیزی است که مخالفان این سیاست تبلیغ می‌کنند. سیاست جنایی اسلام با نگاهی معتدل و واقع‌بینانه به گزینه جنسی و پذیرش آن به عنوان امری ضروری در حیات فردی و اجتماعی، ولی سرکش و زیاده‌خواه، موضعی سازنده و هدایت‌گر نسبت به آن اتخاذ کرده است؛ بنابراین به منظور تنظیم رفتار جنسی برابر مقررات مدون، برنامه‌ها و راهکارهای متنوعی برای هدایت گزینه جنسی به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی، بالابردن آستانه مقاومت فرد در برابر کشش‌های گزینه جنسی و ایجاد نیروی خودکنترلی در درون فرد، از میان بردن زمینه‌ها و عوامل تحریک‌کننده گزینه جنسی، ایجاد موانع بر سر راه دستیابی افرادی که در صدد ارتکاب جرایم جنسی‌اند، پیش‌بینی کرده است که نقش اساسی و مهمی در پیشگیری از جرایم جنسی دارند.

**واژگان کلیدی:** سیاست جنایی، جرایم جنسی، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی.

## مقدمه

یکی از غرایز مهم و بسیار قوی در نهاد آدمی، غریزه جنسی است که ضامن بقای نسل بشر است. در تعامل با غریزه جنسی، سه رویکرد قابل توجه است:

اول، رویکرد پلیدانگاری (تفریط‌گرایانه) که غریزه جنسی را جز شر و رابطه جنسی را جز چیزی کثیف و ناپاک نمی‌پندارد. این رویکرد به وسیله مسیحیت منحرف از شریعت عیسی علیه السلام، بودا، فرقه‌ای منحرف از یهود و برخی از طریقه‌های رایج در روم، یونان و ایران قدیم ترویج می‌شد (راسل، ۱۳۴۷، ص ۲۵).

دوم، رویکرد آزادانگاری (افراط‌گرایانه) غریزه جنسی که طرفدار نظریه اخلاق جنسی نوین غرب است و مرز و محدودیتی برای روابط جنسی جز اخلال به آزادی دیگران نمی‌شناسد و از آزادی اشباع و اقماع غریزه جنسی حمایت می‌کند که برتراند راسل از بنیانگذاران آن است (ر.ک به: همان، ص ۱۵۴-۱۶۹).

سوم، رویکرد مفید و مقیدانگاری (اعتدال‌گرایانه) که ضمن پاسخ‌گویی به نیاز جنسی، برای برآوردن و تعدیل آن مقرراتی را وضع کرده است که رویکرد اسلام به غریزه جنسی است.

سیاست جنایی اسلام برای سامان‌بخشیدن به غریزه جنسی در دو جهت ایجابی و سلبی گام برداشته است؛ از یک سو روش ارضای این غریزه را تشریح کرده است و از سوی دیگر، راه انحراف آن را سد کرده است.

رهبانیت و سرکوبی غریزه جنسی و روی آوردن به تجرد زیستی، مورد نکوهش و خروج از روش روشن نبی مکرم اسلام است (ر.ک به: کلینی، ۱۳۸۸ ق. ج ۵، ص ۴۹۴ / ابن سعد، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۹۵)؛ ولی آزادی روابط جنسی و پیروی تام از غریزه جنسی مجاز نیست، بلکه ارضای آن حد و مرزی دارد.

بنابراین در سیاست جنایی اسلام، در امور جنسی دو منطقه رفتاری وجود دارد: «منطقه ممنوع رفتاری» و «منطقه مجاز رفتاری».

نوشتار حاضر پاسخی است به این پرسش که دامنه منطقه ممنوع رفتار جنسی در سیاست جنایی اسلام تا کجاست و چه تدابیری برای حفاظت انسان از ورود به این منطقه اندیشیده شده است؟

با لحاظ همه عناصر دخیل در بازشناسی منطقه ممنوع رفتار جنسی، روشن می‌شود که منطقه ممنوع رفتاری در امور جنسی در سیاست جنایی اسلام، از گستره وسیعی برخوردار نیست و در حدی معقول و بسیار محدودتر از آن چیزی است که برخی تصور می‌کنند.

سیاست جنایی اسلام با تشریح انواع تدابیر عبادی و غیرعبادی، فردی و اجتماعی، پیشینی و پسینی و کیفری و غیرکیفری، درصدد مواظبت انسان از ابتلا به منطقه ممنوع رفتار جنسی برآمده است.

تعاریف گوناگونی از سیاست جنایی صورت گرفته است. طبق تعریف دلماس مرتی فرانسوی در اواخر قرن بیستم، سیاست جنایی به مجموعه روش‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، اجتماع پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

جرایم جنسی، رفتارهای جنسی خارج از چهارچوب ازدواج است که از نظر قانونگذار، ممنوع است.

این نوشتار در دو بخش بازشناسی منطقه ممنوع رفتار جنسی در سیاست جنایی اسلام و تدابیر به کار گرفته شده در سیاست جنایی اسلام برای صیانت انسان از ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی، سامان‌دهی می‌شود.

## ۱. تعیین منطقه ممنوع رفتار جنسی

گریزه جنسی، گریزه‌ای بسیار سرکش و رهاکردن آن کاری بس خطرناک است. پیامبر اسلام می‌فرماید: «سه چیز است که در آینده از آنها بر امتم می‌ترسم؛ شهوت ... و شهوت جنسی» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۷۹)؛ بنابراین باید آن را کنترل کرد که آن حضرت درباره اهمیت و آثار این کنترل به اباذر فرمود: «هرکس شهوت جنسی و زبانش را کنترل کند، وارد بهشت می‌شود» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۶ / ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۶۲).

در اسلام رابطه جنسی با هر فردی مجاز نیست، بلکه ایجاد این رابطه با برخی از افراد و یا در بعضی موارد، ممنوع شده است. این ممنوعیت‌ها با توجه به عدم وجود علقه زوجیت میان طرفین یا جنسیت و یا نسبت نسبی یا سببی طرف رابطه و ازدواج است.

## ۱-۱. عناصر بازشناسی منطقه ممنوع رفتار جنسی

بازشناسی منطقه ممنوع رفتاری در امور جنسی با بررسی سه عنصر میسر می‌شود: «عنصر الزام»، «عنصر مسئولیت» و «عنصر مجازات». به عبارت دیگر، آنگاه می‌توانیم درباره محدود یا گسترده بودن منطقه ممنوع و جرم‌انگاری شده رفتار جنسی، داوری درستی داشته باشیم که سه عنصر مذکور را در کنار یکدیگر در نظر بگیریم، وگرنه صرف توجه به برخی از این عناصر، ما را به نتیجه درست رهنمون نمی‌شود.

### ۱-۱-۱. عنصر الزام

احکام پنج‌گانه اسلام (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) در امور جنسی نیز مانند بسیاری از امور دیگر جریان دارد؛ یعنی رابطه جنسی گاهی واجب، گاهی حرام، گاهی مستحب، گاهی مکروه و گاهی مباح است. از آنجا که ما در این نوشتار درصدد بحث از سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی یعنی منطقه الزام شرع به خودداری از رابطه جنسی هستیم، وارد بحث در منطقه‌ای که دارای حکم دیگری غیر از حکم حرام از احکام پنج‌گانه است، نمی‌شویم.

سیاست جنایی اسلام به منظور پاسخ مثبت به تقاضای غریزه جنسی از یک سو و پیشگیری از هرج و مرج جنسی و اختلال نسل و نظام خانواده از سوی دیگر، آزادی جنسی و پیروی تام از این غریزه را مجاز نشمرده است، بلکه برای ارضای آن، روش معینی تعریف کرده است که عبارت است از عقد ازدواج، ولی ایجاد پیمان زناشویی میان دو نفر نیز محدودیت‌هایی به لحاظ جنسیت طرفین عقد و نسبت خویشاوندی میان آنها دارد؛ بنابراین رابطه جنسی از جهاتی محدود شده است:

#### ۱-۱-۱-۱. به لحاظ وجود عقد ازدواج

رابطه جنسی میان زن و مرد باید در چهارچوب عقد ازدواج باشد و این رابطه خارج از پیوند ازدواج، حرام و زناست. خداوند در توصیف عبادالرحمان می‌فرماید: «... و کسانی که ... زنا نمی‌کنند و هرکس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید. عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و همین‌گونه با خواری در آن خواهد ماند» (فرقان: ۶۸ و ۶۹).

### ۲-۱-۱-۱. به لحاظ جنسیت طرفین عقد

پیوند ازدواج فقط میان دو جنس مخالف امکان‌پذیر است؛ بنابراین عقد ازدواج میان دو نفر از یک جنس، ممنوع و عمل آنها حرام است. اگر این ارتباط میان دو مرد باشد، ذیل عنوان مجرمانه لواط و اگر میان دو زن باشد، ذیل عنوان مجرمانه مساحقه قرار می‌گیرد. قرآن با تشریح عمل قوم لوط و تقبیح آن، به تحریم این عمل ناپسند پرداخته است: و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ‌یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید» (عنکبوت: ۲۸ و ۲۹). پیامبر اسلام درباره مساحقه فرمود: «مساحقه زنان، زناست» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۵۳ / سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۰).

### ۳-۱-۱-۱. به لحاظ وجود رابطه خویشاوندی

عقد ازدواج با برخی از افراد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی، ممنوع است که عبارت‌اند از: محارم «نسبی»، «رضاعی» و «سببی». قرآن در این باره فرموده است: «با زنانی که پدرانتان ازدواج کرده‌اند، ازدواج نکنید...» (نساء: ۲۲). همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌هایتان، دختران برادر، دختران خواهرتان، مادرانی که به شما شیر داده‌اند، خواهران رضاعی شما، مادران همسرانتان و دختران همسرانتان که در دامن شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش داشته‌اید ... و همسران پسرانتان که از نسل شما هستند و جمع میان دو خواهر ... بر شما حرام گردید (نساء: ۲۳).

### ۴-۱-۱-۱. به لحاظ وجود قید زوجیت

ازدواج با زنی که در قید زوجیت دیگری است، ممنوع شده است. خداوند فرموده است: «و زنان شوهردار بر شما حرام گردید...» (نساء: ۲۴). زنان مطلقه باید عده نگه دارند و ازدواج با آنان در زمان عده، ممنوع است. قرآن کریم می‌فرماید: «زنان مطلقه باید به میزان سه عادت ماهانه دیدن (و پاک‌شدن) انتظار بکشند» (بقره: ۲۲۸).

در ممنوعیت موارد پیش گفته، اختلافی نیست و کسی شکی ندارد؛ ولی در برخی موارد دیگر، درباره ممنوع بودن آن به اختلاف نظر برمی خوریم که عبارت‌اند از:

اول، ازدواج موقت: فقیهان شیعه ازدواج موقت را یکی از انواع ازدواج شرعی می‌دانند (ر.ک به: مفید، ۱۴۱۰، ص ۵۱۰ / طوسی، [بی تا]، ص ۴۸۹ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۴۵)؛ بنابراین زن و مردی که از این راه با یکدیگر رابطه زناشویی برقرار می‌کنند، رفتاری مطابق قانون از خود نشان داده‌اند؛ برخلاف دیدگاه فقیهان اهل سنت که چنین ازدواجی را مشروع نمی‌دانند و اثری بر آن مترتب نمی‌سازند و برقراری رابطه جنسی میان زن و مرد را به دنبال این نوع عقد، حرام می‌شمارند (ر.ک به: شافعی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۲۱ / سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۵۲)؛ بنابراین دامنه منطقه ممنوع را توسعه می‌دهند.

دوم، ازدواج مسیار: \* ازدواجی است که برخی از اهل سنت معاصر آن را نوعی ازدواج شرعی می‌دانند، در حالی که برخی از فقهای دیگر اهل سنت آن را جایز نمی‌دانند و اثر زوجیت برای آن نمی‌شناسند (ابن قدامه، [بی تا]، ج ۷، ص ۴۵۱ / ابن ابی شیبه الکوفی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۳۷). فقیهان شیعه نیز چنین ازدواجی را شرعی نمی‌دانند.

پذیرش این نوع ازدواج و مؤثر دانستن آن در برقراری زوجیت، باعث محدود شدن منطقه ممنوع و برعکس، عدم تجویز آن باعث گستردگی این منطقه می‌شود.

از این رو می‌بینیم روابط جنسی در موارد بسیاری ممنوع شده است.

## ۲-۱-۱. عنصر مسئولیت

از آنجا که یکی از عناصر شناخت سیاست جنایی اسلام در امور جنسی را مسئولیت تشکیل می‌دهد، باید این موضوع مورد مطالعه قرار گیرد که چه افرادی مخاطب این الزام‌اند و مسئولیت دارند. طبیعی است هر مقدار شرایط مسئولیت بیشتر و سخت‌تر باشد، منطقه ممنوع رفتار جنسی محدودتر و هر اندازه شرایط کمتر و آسان‌تر باشد،

\* ازدواجی است همراه ایجاب و قبول میان مرد و زن در حضور شهود و ولی که در آن زن از حقوق مادی خود مانند نفقه و حقوق معنوی مانند حق همخوابگی می‌گذرد و در خروج از منزل، آزاد است و شوهر فقط گاهی به دیدارش می‌رود (زحیلی، ۱۴۲۸، ص ۸۴).

دامنه منطقه ممنوع رفتار جنسی گسترده‌تر خواهد بود. در واقع رابطه میان شرایط مسئولیت و دامنه منطقه ممنوع، رابطه منفی (معکوس) است. در سیاست جنایی اسلام، فردی (مرتکب جرمی) در برابر منطقه ممنوع مسئولیت کیفری دارد که از شرایط ذیل برخوردار باشد:

### ۱-۱-۲-۱. بلوغ

از نظر سیاست جنایی اسلام، فردی باید در برابر نقض مقررات منطقه ممنوع در امور جنسی پاسخگو باشد که به حد بلوغ رسیده باشد (ر.ک به: شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۴۰۴ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۸، ص ۱۸۱ / ابن‌قدامه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۱۹)؛ یعنی به اندازه‌ای از رشد جسمی و درک عقلی رسیده باشد که توان تمیز میان خوب و بد و بررسی آثار زیانبار کارهای خود را به طور کامل داشته باشد؛ بنابراین افراد زیر حد بلوغ، یا هیچ مسئولیتی ندارند یا در شرایطی فقط مسئولیت نقصان‌یافته دارند. بلوغ، علائم و نشانه‌هایی دارد که از آن جمله سن است. درباره سن بلوغ، نظریه مشهور میان فقیهان امامیه، برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر پانزده سال تمام قمری را بیان می‌دارد (ر.ک به: طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۳ / حلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۷۴ / حلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۱).

بنا به اختلاف مذاهب، میان فقهای عامه نیز نظریه‌ها متفاوت است. شافعیه (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۳۱ و ۲۲۰) و حنابله (ابن‌قدامه، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۱۲)، سن بلوغ پسر و دختر را پانزده سال تمام قمری ذکر می‌کنند؛ مالکیه سن بلوغ آنها را اتمام هجده سالگی و بعضی از آنها ورود به سن هجده سالگی می‌دانند (ابوالبرکات، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۹۳) و حنفیه برای دختر، هفده سالگی و پسر هجده سالگی و بنا به قولی نوزده سالگی را سن بلوغ معرفی می‌کنند (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۵۳). البته همه اینها در صورتی است که پیش از این سنین، علائم دیگر بلوغ اتفاق نیفتد.

اختلاف نظر در سن بلوغ باعث توسعه یا تضییق دایره افراد دارای مسئولیت کیفری در سیاست جنایی اسلام می‌شود.

### ۲-۱-۱-۱. عقل

یکی دیگر از شرایط مسئولیت کیفری در سیاست جنایی اسلام، برخوردار بودن فرد از قوه عقل است؛ یعنی داشتن توان تشخیص اعمال درست و نادرست از یکدیگر؛ بنابراین اگر کسی به حد بلوغ جسمی رسیده باشد، ولی از قوه عقل برخوردار نباشد، به دلیل عدم توان درک پیامد اعمال خود، از مسئولیت کیفری مبرا است (ر.ک به: حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۶۰ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۰۵ / ابن قدامه، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۱۹).

### ۳-۱-۱-۲. اختیار

توجه مسئولیت سوی فرد وقتی توجیه دارد که او با اراده آزاد در انجام عمل گام گذاشته باشد؛ بنابراین در سیاست جنایی اسلام یکی از ارکان مسئولیت، اراده داشتن فرد و آزاد بودن این اراده است و اگر کسی بدون اراده یا از روی اکراه مرتکب عملی مجرمانه شود، مسئولیت کیفری ندارد (ر.ک به: حلی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۳ / حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳). از این رو فقها کسانی را که از روی اکراه تن به جرایم جنسی و... می دهند، سزاوار مجازات نمی دانند (ر.ک به: طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۵۹ / خوئی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۹).

### ۴-۱-۱-۲. علم

علم، از ارکان دیگر مسئولیت کیفری در سیاست جنایی اسلام است. وقتی فرد باید در برابر اعمال خود پاسخگو باشد که آن را با اطلاع به جرم بودنش مرتکب شود (ر.ک به: حلی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۳ / فاضل‌الآبسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۳۸ / زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۵۳۶ و ۵۳۶۱)؛ بنابراین فرد مسئول، فردی است که علم به تحریم این نوع از رابطه جنسی (حکم) و علم به اینکه مصداق از مصادیق رابطه حرام است (موضوع) داشته باشد. در نتیجه اگر فرد به یکی از این دو (حکم و موضوع) جهل داشته باشد، عملش ملحق به رابطه شبهه است و مسئولیت کیفری به دنبال ندارد. حتی برخلاف حقوق عرفی که ابلاغ قانونی را در توجه مسئولیت کافی می داند، از نظر سیاست جنایی اسلام، ابلاغی مسئولیت آور است که واقعی باشد و به عبارت دیگر، در توجه مسئولیت نسبت به فرد، بیان واصل شرط است.



با لحاظ این عنصر در تشخیص منطقه ممنوع رفتار جنسی درمی‌یابیم که در این تقنین، بسیاری از افراد مورد خطاب شارع نیستند؛ بنابراین دایره این منطقه محدود می‌شود.

### ۱-۱-۳. عنصر مجازات

مجازات جرایم جنسی در سیاست جنایی اسلام از دو جهت قابل تأمل و بررسی است؛ یکی از نظر تشریحی (مقام ثبوت) و دیگری از نظر اجرایی (مقام اثبات).

#### ۱-۱-۳-۱. از نظر تشریحی (مقام ثبوت)

سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرایم در بُعد وضع مجازات، تابعی است از ارزش‌ها و بنیان‌هایی که در این جرایم مورد هجوم قرار گرفته، از بین می‌روند. جرایم جنسی نسل و نسب و حیثیت و عفت عمومی را نشانه می‌رود و پایه‌های نهاد خانواده را به شدت متزلزل می‌کند و بحران سقوط معنویت و فزونی جرایم گوناگون را برای جامعه به ارمغان می‌آورد؛ از این رو، سیاست جنایی اسلام در تئوری و تشریح، با شدت هرچه تمام‌تر با آن برخورد کرده، مجازات‌های سنگینی برای آن مقرر کرده است. به عبارت دیگر، از این جهت به شکل فراگیر عمل کرده است. این مجازات‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱-۱-۳-۲. رجم

این مجازات برای زناکار محصن\* مقرر شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۷۲ / جزیری، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۶۵-۶۷).

#### ۱-۱-۳-۳. اعدام

در سیاست جنایی اسلام در چند مورد برای جرم زنا مجازات اعدام پیش‌بینی شده است: زنا با محارم، زنا به عنف، زنا با زن مسلمان با زن مسلمان (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۰۹، ۳۱۳ و ۳۱۵ / جزیری، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۰۴)، زنا مکرر در مرتبه

\* محصن فردی است که همسر دائمی دارد و با او رابطه جنسی برقرار کرده است و همسرش در دسترس وی است و مانعی برای برقراری رابطه جنسی با او وجود ندارد؛ یعنی در صورت تمایل و نیاز، می‌تواند با او رابطه جنسی داشته باشد.

چهارم (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۳۵ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۳۱) و لواط (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۳۶).

#### ۴-۳-۱-۱. شلاق

این مجازات در دو مورد تشریح شده است:

۱. چنانچه کسی که دارای شرایط احصان نیست، مرتکب جرم زنا با غیرمحرارم و بدون علف شود، مجازاتش یکصد ضربه تازیانه است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۲۳ / جزیری، [بی تا]، ج ۵، ص ۶۸).

۲. رابطه جنسی زن با همجنس با عنوان مساحقه، مستحق مجازات به میزان یکصد ضربه تازیانه است (ر.ک به: حلی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۹۴۲ / شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۴۱۳).

ملاحظه می‌کنید هر اندازه زشتی عمل بیشتر و آثار تخریبی آن پدیده‌تر باشد و مرتکب آن در موقعیتی باشد که انتظار ارتکاب جرم از او کمتر برود، مجازات عمل مجرمانه شدیدتر است و این حاکی از واقع‌نگری و سیاستی است که شارع برای مهار جرایم جنسی آن را در پیش گرفته است. از سوی دیگر، سیاست جنایی اسلام در این مرحله، سیاست توسعه به لحاظ تنوع و شدت مجازات است و فراگیر عمل کرده است.

#### ۵-۳-۱-۱. از نظر اجرایی (مقام اثبات)

رویکرد سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی در مرحله اثبات جرم و اجرای مجازات، عکس این سیاست در مرحله تشریح و ثبوت است و با پیش‌بینی راهکارهای متعدد و گوناگون، درصدد محدودسازی منطقه ممنوع رفتاری در امور جنسی است. شارع این تضییق را از چند جهت اعمال کرده است:

اول، از جهت محدودکردن ادله اثبات با عدم پذیرش سوگند در عداد ادله، در حالی که در امور حقوقی حتی برخی از امور کیفری از جمله جرایم بر ضد اشخاص، سوگند (قسامه با شرایطی) از ادله اثبات جرم شناخته شده است.

دوم، از جهت در نظرگرفتن شرایط خاص در ادله؛ مانند شرط کردن عدد خاص در شهود و شرایط آنها و کیفیت و زمان ادای شهادت یا شرط کردن تعداد مرتبه اقرار و

شرایط اقرار و مقرر (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۷۹-۲۸۳ و ۲۹۶).  
سوم، از جهت ترجیح بزه‌پوشی؛ مانند نهی افراد از تجسس در امور دیگران (حجرات: ۱۲)، ترغیب افراد بزه‌کار به توبه و اصلاح خود به جای رفتن نزد مراجع قضایی و اقرار نزد آنها (ر.ک به: خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۳) و منع از افشاکاری بر ضد دیگران در این امور و تشیع فاحشه (نور: ۱۹) و حتی مجازات حدی در موارد ایراد اتهام به دیگری و عدم اثبات آن با شرایط خاص (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۹۸-۳۰۱).

چهارم، از جهت سقوط مجازات بعد از اثبات؛ مانند امکان انکار بعد از اقرار، توبه بعد از اقرار (ر.ک به: همان، ص ۲۹۱-۲۹۳) و اجرای قاعده درء در موارد شبهه که باعث سقوط مجازات می‌شود (ر.ک به: همان، ص ۱۵۷).

پنجم، از جهت اجرای مجازات به صورت نمادین؛ مانند اجرای مجازات در برخی موارد به صورت ضغث.

با لحاظ آنچه در مرحله ثبوت و مرحله اثبات و اجرا بیان شد، روشن می‌شود که برخلاف تصور برخی، دایره این تشریح، وسعت چندانی ندارد؛ زیرا دایره تشریح در مقام اثبات با توجه به مباحث گفته‌شده، محدود شده است.

## ۲. واکنش نسبت به ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی

سیاست جنایی اسلام با تشریح انواع عبادت‌ها و دستور به رعایت حجاب، عفاف، چگونگی ارتباط با بیگانه، تعریف تکالیفی جداگانه برای زن و مرد، تشریح نهاد توبه و... و نیز تشویق به ازدواج و تسهیل در آن، تدبیر برای عاری کردن جامعه از جاذبه‌های انحراف جنسی، ایجاد تکلیف برای آحاد جامعه در جهت مبارزه با انحراف جنسی، حتی سدکردن راه انحراف جنسی و... و در نهایت، وضع کیفرهای متناسب و گاه سخت، برنامه جامعی را برای مبارزه با جرایم جنسی ارائه کرده است که در دو مبحث «تدابیر غیرکیفری» و «تدابیر کیفری» قابل مطالعه و بررسی است.

## ۲-۱. تدابیر غیر کیفری

سیاست جنایی اسلام در این مبحث که جنبه پیشگیری دارد، به دو قسمت تقسیم می‌شود:

### ۲-۱-۱. پیشگیری اجتماعی

برنامه‌های پیش‌بینی شده در سیاست جنایی اسلام برای پیشگیری از جرم، بیان‌گر این نکته است که این سیاست به درستی تشخیص داده است که مبارزه با جرم را باید از مبارزه با عوامل و زمینه‌های آن آغاز کرد؛ بنابراین با توجه به اینکه نظام حقوقی اسلام، بخشی از نظام جامع اسلام برای حیات دنیوی و اخروی بشر است و ارتباط بخش‌های گوناگون این نظام بسیار وثیق است، برنامه‌های پیش‌بینی شده در بخش‌های دیگر نیز دقیقاً به سیاست‌های جنایی اسلام ناظر است و همه برنامه‌ها در جهت یک هدف تنظیم و ابلاغ شده است؛ به عنوان مثال، برنامه‌های بخش عبادی این نظام از جمله نماز و روزه، در جهت خودسازی انسان، تقویت توان مقاومت او در برابر خواهش‌های نفسانی و شهوانی، ایجاد روحیه اطاعت‌پذیری و احترام به قانون و... است. طبیعی است که این برنامه نقش مؤثری در خودداری فرد از ارتکاب جرم و پیشگیری از آن دارد. برنامه‌های بخش فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام جامع اسلام نیز همین‌گونه است؛ بنابراین سیاست جنایی اسلام عمده برنامه و توان خود را در از میان‌بردن زمینه‌ها و عوامل بروز جرم، متمرکز کرده، در صدد است در مرحله نخست، نوعی خودکنترلی در افراد ایجاد کند و در مرحله دوم، نوعی احساس مسئولیت نسبت به دیگران و دگرکنترلی در جامعه به اجرا گذاشته شود.

برنامه‌های سیاست جنایی اسلام در پیشگیری اجتماعی در دو محور قابل بررسی است: آموزه‌های ناظر به افراد از این جهت که آستانه مقاومت آنها در برابر وسوسه ارتکاب بزه بالا برود و آموزه‌های ناظر به شهروندان و نهادها از جهت مسئولیت آموزش و مراقبت متقابل آنها در جامعه اسلامی.

### ۲-۱-۱-۱. تقویت آستانه مقاومت

سیاست جنایی اسلام به منظور ایجاد خودکنترلی در افراد، تدابیری اندیشیده است تا توان افراد را در برابر عوامل وسوسه جرم تقویت کند، بلکه بالاتر از آن حتی دچار

وسوسه نشوند. این تدابیر که از مقدمات بعید آغاز می‌شود، بسیار زیادند؛ مانند: ترویج فرهنگ خدامحوری (بقره: ۱۵۶)، دستور به تقوای پیشگی (آل عمران: ۱۰۲)، ایجاد باور به حضور در محضر خدا (بقره: ۱۱۵ / ق: ۱۶)، ایجاد معادباوری (حج: ۷)، تشریح انواع عبادات (بقره: ۴۳ و ۱۸۳) و... بعضی از این تدابیر نیز با پیشگیری از جرایم جنسی ارتباط نزدیک‌تری دارند که در ادامه بررسی می‌شود.

#### ۱-۱-۱-۲. پرهیز از اختلاط با نامحرم

اختلاط زن و مرد نامحرم با یکدیگر در محیط‌های گوناگون اجتماعی از محل تحصیل گرفته تا محیط اشتغال و... به صرف اختلاط، منعی ندارد، مگر اینکه عنوان حرام دیگری بر آن منطبق شود؛ ولی از آنجا که احتمال دارد چنین اختلاطی زمینه برخی انحراف‌های رفتاری را فراهم سازد، توصیه بر این است که این اختلاط‌ها محدود شود.

بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی نماز جماعت را تمام می‌کردند، اندکی صبر می‌کردند تا زنان نمازگزار پیش از مردان از مسجد بیرون روند، آنگاه از مسجد خارج می‌شدند (سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۳۳) یا زمانی که در حال بیرون رفتن از مسجد، اختلاط زنان و مردان را در مسیر مشاهده می‌کردند، به زنان می‌فرمودند: «صبر کنید، هنگام عبور از معابر به گونه‌ای حرکت نکنید که آن را ببینید، بلکه از حاشیه‌ها بگذرید» (بیهقی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۸۳)؛ حتی دری را مخصوص رفت و آمد بانوان به مسجد قرار داد (سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۳).

قرآن کریم نیز درباره دختران حضرت شعیب می‌فرماید: «و وقتی (موسی) به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خود هستند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟) گفتند: ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند...» (قصص: ۲۳).

بنابراین باید تا حد امکان از اختلاط زن و مرد بیگانه پرهیز کرد تا از عوارض جانبی و پیامدهای احتمالی آن پیشگیری کرد.

### ۲-۱-۱-۱-۲. حداقلی کردن روابط

برابر آموزه‌های اسلامی، زن و مرد بیگانه می‌توانند با حفظ شئون و حجاب با یکدیگر روابط اجتماعی برقرار کنند؛ ولی از آنجا که نیروی غریزه جنسی در انسان قوی است و به طور طبیعی به جنس مخالف تمایل دارد، توصیه شریعت به منظور پیشگیری از بزه بر این است که روابط دو جنس مخالف - به ویژه در دوره جوانی - تا جایی که امکان دارد محدود شود و چنانچه ضرورتی آن را اقتضا نمی‌کند، صورت نگیرد؛ زیرا رابطه باید برای کاری و رفع نیازی باشد؛ بنابراین وقتی نیازی اجتماعی برقراری ارتباط فردی را توجیه نکند، احتمال به وجود آمدن برخی افکار نادرست و وسوسه‌انگیز در طرف مقابل زیاد می‌شود که در بسیاری از موارد، لغزش‌های خطرناکی را به دنبال دارد. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است: «من سبقت گرفتن در سلام به زنان جوان را نمی‌پسندم» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۴۸).

عدم وجوب نماز جمعه بر زن و عدم توصیه او به حضور در نماز جماعت، در این باره قابل ارزیابی است.

### ۲-۱-۱-۱-۳. حفظ حیا

حیا در لغت به معنای شرم، خجالت و آزر است (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۶ / دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۲۴۳) و در اصطلاح، ملکه‌ای نفسانی است که باعث نگه داشتن فرد از انجام کارهای قبیح و انزجار از اعمال خلاف آداب به جهت ترس از سرزنش می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۲۹).

حیا، از صفات بسیار پسندیده در اسلام است تا جایی که از حضرت علی علیه السلام روایت شده است: «حیا، کلید تمامی خوبی‌هاست» (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۳). حیا ابعاد گوناگونی دارد؛ حیا در برابر خداوند، حیا در مواجهه با بزرگترها، حیا در مقابل پدر و مادر و حیا در روابط با نامحرم.

حیا در روابط با نامحرم نقش مهمی در کنترل غریزه جنسی و پیشگیری از جرایم جنسی دارد. قرآن درباره دختر حضرت شعیب می‌فرماید: «پس یکی از دختران شعیب در حالی که با حیا گام برمی‌داشت، نزد موسی برگشت ...» (قصص: ۲۵)؛ که بیان‌گر چگونگی ارتباط با نامحرم است.

حتی برخی از فقیهان، یکی از فلسفه‌های تحریم خمر را این دانسته‌اند که نوشیدن خمر، حیای فرد را از میان می‌برد (امام رضا، ۱۴۰۶، ص ۲۸۲) و در پس آن، هیچ عمل قبیحی از چنین فردی بعید نیست، یا در تعلیل عدم پذیرش شهادت کسی که مروّت ندارد، گفته‌اند: «یکی از جهات آن، کمی حیای اوست و کسی که حیا ندارد، ممکن است دست به هر کاری بزند» (سبزواری، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۰۵) و یا یکی از پیامدهای جرم زنا را از میان رفتن حیا ذکر کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۴۲۷). به عبارت دیگر، رابطه میان جرم زنا و عدم حیا، طرفینی است. عدم حیا باعث جرم زنا و زنا باعث بیشتر از میان رفتن حیا می‌شود.

حیا هرچند درباره زنان بسیار توصیه شده است؛ ولی به آنان اختصاص ندارد، بلکه حیاورزیدن برای مردان نیز سفارش شده است. پیامبر ﷺ وقتی مردی را دید که در مرثای دیگران غسل می‌کند، فرمود: «همانا خداوند حیا و پوشیدگی بندگان را دوست دارد. هرکدام از شما که غسل می‌کنید، پنهان از دید مردم باشد؛ زیرا حیا زینت اسلام است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۶۳). ابویصیر می‌گوید: «در مسجد کوفه به زنی قرآن یاد می‌دادم، یک بار با او یک کلمه شوخی کردم. بعد که در مدینه به حضور امام باقر ﷺ رسیدم، حضرت مرا سرزنش کرد و فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ من صورتم را پوشاندم. امام فرمود: دیگر هیچ وقت نزد آن زن برنگرد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۹۸).

حیا باعث حفظ حریم میان زن و مرد بیگانه می‌شود، چنان‌که عدم آن باعث از میان رفتن این حریم و در پی آن برخی تمایلات نفسانی و شهوانی می‌شود و در چنین صورتی احتمال ارتکاب جرایم جنسی به وسیله آنان بسیار بالا می‌رود.

#### ۲-۱-۱-۱-۴. پرهیز از تبرج

یکی دیگر از ابعاد جامع سیاست جنایی اسلام در تنظیم روابط زن و مرد در اجتماع، دوری از آمیختن این روابط به تبرج است.

تبرج در لغت یعنی زن، زینت و زیبایی‌های خود را برای مردان آشکار سازد (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹۹) و در اصطلاح عبارت است از اینکه زن زیبایی‌های خود و آنچه را که پوشاندن آن بر او واجب است، آشکار سازد (ر.ک به: طبرسی،

۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۶۹ / طوسی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۶۱؛ بنابراین امام صادق علیه السلام در روایتی آن را ضدحجاب دانسته‌اند (ر.ک به: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۱). بر این اساس می‌توان گفت: در تبرج یک اراده جدی و نوعی تعمد از سوی زن برای خودنمایی و جلب توجه مردان نامحرم سوی خود وجود دارد.

اندیشمندان فقه اعم از امامیه (ر.ک به: مفید، [بی تا]، ص ۵۵ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۸۵) و اهل سنت (ر.ک به: ابن عابدین، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۶۴ / اندلسی، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۴۰) اعتقاد دارند که تبرج بر زن حرام است و او باید از آشکارساختن زینت و زیبایی‌های خود و جلوه‌گری در برابر مرد نامحرم، بپرهیزد؛ بنابراین حتی اعضای که پوشاندن آن از نامحرم استثنا شده است مثل صورت و کفین، چنانچه دارای زینت و آرایش باشند، آشکارکردن آنها نیز تبرج و حرام اعلام شده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى...؛ و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید» (احزاب: ۳۳).

خداوند در جای دیگر خطاب به زنان پیامبر علیهم السلام، آنها را از تبرج نهی می‌کند که فقها در استناد به این مسئله اظهار کرده‌اند، هرچند این نهی خطاب به زنان پیامبر است؛ ولی شامل همه زنان مسلمان می‌شود؛ زیرا آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب، متکفل بیان دو مطلب است: اول، افضل بودن و برتری زنان پیامبر نسبت به زنان دیگر، به شرط رعایت تقوا که با عبارت (یا نساء النبی لستن كأحد من النساء ان اتقین) بیان شده است؛ دوم، بیان کیفیت و اسباب تقوا که با تفریع اموری (مانند فلا تخضعن بالقول...) بر مطلب نخست، آن را ابراز کرده است و عدم تبرج هم یکی از آنهاست. روشن است آنچه به زنان پیامبر علیهم السلام اختصاص دارد، مطلب نخست است؛ ولی مطلب دوم از جمله عدم تبرج، به آنها اختصاص ندارد، بلکه همه زنان مسلمان را شامل می‌شود؛ چنانکه امر به نماز و زکات در این آیه کریمه، به زنان پیامبر علیهم السلام اختصاص ندارد (خوئی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۳).

این آیه شریفه به نقش بزه‌دیده در آماج واقع شدن توجه داده است و زنان را از جلوه‌گری که باعث تحریک مردان و آماج قرارگرفتن زنان می‌شود، منع کرده است که نوعی از پیشگیری از جرم است.



## ۵-۱-۱-۲. خودداری از عشوه‌گری

عشوه‌گری به معنای ناز و غمزه‌کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۵۹۰۸). قرآن کریم از آن به خضوع در سخن گفتن تعبیر کرده است.\* خضوع در سخن گفتن یعنی زن به گونه‌ای نرم و لطف سخن بگوید که مرد شنونده با شنیدن این سخنان در او طمع کند (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۳).

در سیاست جنایی اسلام، زنان در روابط اجتماعی خود با مردان باید از گفتار و رفتار تصنعی بپرهیزند؛ زیرا تغییر لحن سخن گفتن و داشتن رفتار مهیج و به بیان دیگر، با ناز و غمزه سخن گفتن و حرکت کردن در برخورد با نامحرم، امکان دارد سبب تحریک و تهییج غریزه جنسی او گردد و این امر موجب شود افرادی که زمینه و آمادگی لغزش را دارند، این نوع گفتار و رفتار زنان را اظهار علاقه و چراغ سبزی از سوی آنان بپندارند و نسبت به آنها طمع ورزند و در نتیجه، محیط اجتماعی از وضعیت تحصیل، کار، فعالیت مفید خارج و راه تکامل، تعالی و پیشرفت سد شود؛ چنان‌که خداوند خطاب به زنان می‌فرماید: «فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض؛ پس زنهار نازک و نرم (با مردان) سخن مگویید! مبدا آنکه دلش بیمار (هوا و هوس) است، به طمع افتد» (احزاب: ۳۲)؛ زیرا نرم و نازک سخن گفتن باعث می‌شود بیمار دلان با توجه به ضعف ایمان و زمینه ارتکاب جرمی که در آنان وجود دارد، نسبت به گوینده سخن طمع می‌کنند و چه بسا در صورت مقاومت سوژه و آماج، به خشونت و جرایم سنگین‌تر اقدام کنند.

قرآن کریم حتی درباره روش راه رفتن زنان می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ زنان مؤمنه نباید در راه رفتن طوری حرکت کنند و پاهایشان را بزمین بزنند که زینت و آرایش مخفی آنان معلوم شود» (نور: ۳۱).

زنان در روابط اجتماعی خود نیز باید مطابق معروف و پسندیده و به عبارت دیگر، به صورت عادی و معمولی و به دور از هر شائبه و تکلفی عمل کنند که خداوند در این باره خطاب به آنان می‌فرماید: «و قلن قولاً معروفاً؛ (بلکه متین) و

\* «فلاتخضعن بالقول» (احزاب: ۳۲).

درست و نیکو سخن گویند» (احزاب: ۳۲)؛ بنابراین سخنان و حرکات عشوه‌آمیز زن در برابر مرد نامحرم، حرام اعلام شده است (ر.ک به: شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۵۶ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۹۸).

#### ۲-۱-۱-۱-۶. کنترل نگاه

یکی از درجه‌های مهم ارتباط انسان با محیط اطراف خود، چشم است و این مجرای ارتباطی سهم به سزایی در برانگیختن قوای جنسی دارد؛ بنابراین در آموزه‌های دینی به منظور پیشگیری از جرم، به این نکته توجه فراوان شده است؛ زیرا نگاه آلوده می‌تواند نخستین گام برای روابط ناسالم قبیح‌تر قرار گیرد، حتی روابط گرم و آرام خانوادگی طرفین را به روابط سرد و آشفته تبدیل کند و آن را تا مرز از هم‌پاشیدگی پیش ببرد. در روایتی از پیامبر ﷺ، نگاه (حرام) تیر مسمومی از تیرهای ابلیس معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۳۸)؛ از این رو در قرآن به مردان و زنان مؤمن دستور داده شده است که نگاه خود را از نامحرم بگیرند.\*

#### ۲-۱-۱-۱-۷. ممنوعیت لمس

آموزه‌های اسلامی برای جامعیت برنامه تنظیم روابط زن و مرد و پیشگیری از فتنه در عین وجود روابط اجتماعی، تماس بدنی زن و مرد نامحرم را با یکدیگر منع کرده است؛ زیرا ملامسه عمدی میان زن و مرد نامحرم تأثیری فراتر از نگاه حرام در شعله‌ور شدن آتش میل جنسی نسبت به جنس مخالف خواهد داشت و ضریب احتمال آلوده شدن طرفین به جرایم جنسی یا بزه‌دیدی زن را افزایش می‌دهد. بر همین اساس گفته‌اند: «هرجا که به حرام بودن نگاه حکم شده است، آنجا حرام بودن لمس نامحرم سزاوارتر است؛ زیرا لمس مؤثرتر و قوی‌تر است از نگاه در تحریک قوای جنسی و دامن زدن به برپایی فتنه» (کرکی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۳).

#### ۲-۱-۱-۱-۸. تشویق به ازدواج

سیاست جنایی اسلام در برخورد صحیح با غریزه جنسی، افراد را به رفع نیاز جنسی در چهارچوب مقررات ازدواج تشویق می‌کند و قرآن کریم به صراحت آن را تشریح کرده

\* «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ...» (نور: ۳۰)؛ «و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن ...» (نور: ۳۱).

است: «فانكحوا ما طاب لكم من النساء؛ با زنانی که برای شما حلال‌اند ازدواج کنید» (نساء: ۳)؛ زیرا از نگاه این سیاست، زن و شوهر، عامل حفاظت یکدیگر از انحراف جنسی‌اند: «هن لباس لكم و اتمم لباس لهن؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت و سبب حفظ یکدیگرید)» (بقره: ۱۸۷).

پیامبر ﷺ در این باره، ازدواج را از سنت خود دانسته، می‌فرماید: «کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند، همانا ازدواج از سنت من است» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۲۹). ایشان در اهمیت و نقش سازنده و پیشگیری ازدواج از انحراف جنسی، فرموده است: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج ایجاد نگردید» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۳).

حتی برای اینکه زوجین نیاز جنسی یکدیگر را به نحو مطلوب رفع کنند و چشم و دل یکدیگر را از غیرهمسر برگردانند، به شوهر توصیه کرده است: «خود را نظیف کرده، در برقراری رابطه جنسی با همسر بیشتر درنگ کنید تا کامجویی او نیز حاصل گردد» (ر.ک به: حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۱۱۹) و به همسر نیز توصیه می‌کند: «خود را برای شوهر بیاراید و در امور جنسی با شوهر حیا نورزد» (ر.ک به: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۲۴).

همچنین برای رفع نیاز جنسی زنان و مردانی که ازدواج دائم به هر دلیلی نمی‌تواند نیاز جنسی آنان را رفع کند، ازدواج موقت را به عنوان روشی منضبط تشریح کرده است (نساء: ۲۴) تا بتواند بر غریزه سرکش جنسی لجام بزند؛ زیرا رهاکردن این غریزه به دلیل عدم امکان ازدواج دائم، به صلاح فرد و جامعه نیست و بی‌توجهی و سرکوبی آن نیز قرین موفقیت نمی‌گردد.

## ۲-۱-۱-۲. آموزش و مراقبت متقابل

برابر برخی از اصول اجتماعی اسلام، مسلمانان به صورت فردی و جمعی در قالب نهادهای گوناگون نسبت به هم‌نوع و اجتماع خود مسئولیت دارند. پیامبر ﷺ فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة؛ همگان نگهبان هستید و در مقابل این مسئولیت باید پاسخگو باشید» (احسائی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۹).

### ۲-۱-۱-۲-۱. نقش خانواده

از نظر آموزه‌های اسلامی، خانواده مهم‌ترین عامل بیرونی تأثیرگذار بر شخصیت فرد است؛ بنابراین برنامه بسیار دقیقی را برای پایایی و پویایی خانواده و ایجاد صمیمانه‌ترین ارتباطها میان اعضای آن ارائه کرده است تا در پرتو آن، فرزندان صالح و بهنجار پا به جامعه بگذارند. نخستین وظیفه زن و شوهر پس از توجه به خود و اصلاح نفس، توجه و اهتمام به اعضای دیگر خانواده است. خداوند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آوردید! خود و اهل خود را از آتش حفظ نمایید» (تحریم: ۶).

یک مسلمان پیش از اهتمام به اصلاح افراد جامعه موظف است اهل خود، از جمله فرزندان خود را مورد توجه قرار دهد و نسبت به آموزش و تربیت آنها تلاش کند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «پسرم! قلب جوان مانند زمین خالی است، هر آنچه در آن بکاری، پرورش می‌دهد؛ از این رو من پیش از اینکه قلبت دچار تیرگی و قساوت شود و فکر و ذهنت شکل بگیرد، به تربیت تو اقدام کردم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۰۰ و ۲۰۱).

بر این اساس، خانواده باید نسبت به شکل‌گیری صحیح شخصیت فرزند و سازگاری آن با هنجارهای جامعه اهتمام جدی ورزد که از جمله آن هنجارها، هنجارهای تنظیم‌کننده روابط جنسی افراد جامعه است. خانواده با توجه به جایگاهش و تقدم در تأثیرگذاری بر فرزند می‌تواند از راه اهتمام به تربیت جنسی او نقش یگانه‌ای را در این باره ایفا کند و با ارائه آگاهی‌های جنسی لازم و نیز اقدام به موقع برای رفع نیاز جنسی او، در شکل مقرر قانونی نقش داشته باشد؛ همان‌گونه که رسول گرامی اسلام از جمله حقوق فرزند بر پدر را تعلیم خواندن و نوشتن و تزویج او پس از رسیدن به بلوغ برشمرده است (همان، ج ۷۱، ص ۸۰).

### ۲-۱-۱-۲-۲. نقش شهروندان و نهادهای مدنی

نقش شهروندان و نهادهای غیردولتی در سیاست جنایی اسلام را در دو بخش می‌توان مورد مطالعه قرار داد:

### ۱-۲-۱-۱-۲-۱. امر به معروف و نهی از منکر

آیات متعددی از قرآن کریم ضرورت توجه به این امر مهم و حیاتی را بیان می‌فرماید؛ از جمله آیه شریفه: «و باید جمعی از میان شما باشند که دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر نمایند و اینها رستگاران‌اند» (آل عمران: ۱۰۴).

روایات فراوانی درباره نقش امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح امور فرد و جامعه و بالندگی و تعالی آن وارد شده است؛ مثلاً از امام علی علیه السلام نقل شده است: «پایداری و استواری شریعت در گرو امر به معروف و نهی از منکر است» (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۷۰).

مردم در جامعه اسلامی علاوه بر مسئول بودن نسبت به حفظ خود از هرگونه نقض مقررات و دستورات (خودکنترلی)، مسئول احترام به مقررات و دستورات به وسیله اعضای دیگر جامعه نیز هستند؛ به عبارت دیگر، نمی‌توانند در مقابل نقض مقررات به وسیله دیگران بی تفاوت باشند (دگرکنترلی).

چنانچه نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه پای بگیرد، با توجه به سعه مفهومی معروف و منکر، زمینه‌ها و عوامل بسیاری از انحراف‌ها و کژروی‌ها - از جمله انحرافات جنسی - از میان می‌رود و موارد کم باقی‌مانده نیز مجال خودنمایی نمی‌یابند. مرحله زبانی امر به معروف و نهی از منکر، ناظر به این نوع از پیشگیری است که عبارت است از آموزش، آگاه کردن و توجیه کردن افراد ناآگاه نسبت به مقررات. این مهم می‌تواند به صورت انفرادی یا در قالب گروه‌های مردم‌نهاد، محقق شود؛ به عنوان مثال، فعالیت‌های تبلیغی هیئت‌های مذهبی و انجمن‌های دینی، ذیل همین موضوع ارزیابی می‌شود.

### ۲-۱-۱-۲-۲. تعاون در امور نیک

افرادی که در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، مانند اعضای یک خانواده یا یک پیکرند. آنها باید در امور خیر و نیک یاور یکدیگر باشند: «و در امور نیک و تقوا (رعایت دستورهای الهی) به یکدیگر یاری رسانید» (مائده: ۲).

به طور مسلم رفتار بهنجار و برابر مقررات، از امور نیک و از تقواست؛ پس یاری‌رسانیدن به دیگران در این موارد از وظایف افراد جامعه اسلامی است که مصادیق

و جنبه‌های گوناگونی دارد؛ به عنوان مثال، اقدام انفرادی یا گروهی برای گره‌گشایی از امور ممنوعان است که می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از ارتکاب جرم داشته باشد. از جمله این اقدامات می‌تواند فراهم‌آوردن مقدمات ازدواج جوانان از قبیل اشتغال، تأمین نیازمندی‌های زندگی مشترک، پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج در قالب صندوق قرض‌الحسنه و... باشد.

### ۲-۱-۲-۳. نقش نهادهای دولتی

نهادهای دولتی در جامعه اسلامی به موازات مسئولیت یکایک افراد آن و بیشتر از آنان در جهت اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تعاون در امور نیک، وظیفه به عهده دارد. از آنجا که هدف از ایجاد حکومت اسلامی، ایجاد فرصت و زمینه مناسب برای تبلیغ و اجرای مقررات اسلامی است، مسئولیت دولت به معنای اعم کلمه و نهادهای دولتی نیز در این باره تردیدناپذیر است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (حج: ۴۱)

آنها در نخستین گام موظف‌اند با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از بودجه عمومی، در راه آموزش و تربیت افراد جامعه به گونه‌ای عمل کنند که همه از مقررات و حدود رفتار خود آگاه شوند و رفتار بهنجار از خود بروز دهند.

همچنین، با فراهم‌آوردن زمینه‌های مناسب فعالیت برای افراد در بخش‌های گوناگون و مورد نیاز و علاقه و رفع دغدغه از محیط زندگی آنان در حال و آینده، ایجاد اشتغال، فراهم‌سازی زمینه ازدواج جوانان و تسهیل امر ازدواج آنان، راه را بر روی وسوسه‌های شیطانی مسدود کنند و زمینه‌های انحراف را به حداقل ممکن کاهش دهند و این بهترین نوع تعاون بر امور نیک است که دوری افراد جامعه از بزهکاری و سعادت آنها و جامعه را به ارمغان می‌آورد.

### ۲-۱-۲. پیشگیری وضعی

به رغم تدابیر پیش‌بینی شده در بخش پیشگیری اجتماعی از جرم، امکان دارد افرادی در آستانه ارتکاب جرم قرار گیرند. سیاست جنایی اسلام برای کاستن از جاذبه‌های آماج و

سخت کردن فرصت‌های ارتکاب جرم در جرایم جنسی، مقرراتی را وضع کرده است که برخی از آنان مورد اشاره قرار می‌گیرد. بعضی از این مقررات ناظر به قربانی جرم و برخی دیگر ناظر به حکومت است.

### ۲-۱-۲-۱. نقش قربانی جرم

از جمله مقرراتی که سیاست جنایی اسلام در این بخش برای پیشگیری از جرم وضع کرده است، عبارت‌اند از:

#### ۲-۱-۲-۱-۱. حفظ پوشش

جسم انسان جذابیت‌هایی دارد که با توجه به نقش آن در تهییج غریزه جنسی، اسلام به منظور پیشگیری از جرایم جنسی، دستور ویژه‌ای برای چگونگی پوشش دارد تا ظهور جاذبه‌های جسمانی زن و مرد، نگاه آنها را به یکدیگر خیره نکند و در پی آن، باعث ایجاد روابط حرام و مجرمانه دیگری نشود. خداوند در قرآن خطاب به زنان مسلمان می‌فرماید:

و به آنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) (نور: ۳۱).

از این رو، اسلام در جهت سالم‌سازی روابط زن و مرد، حجاب را بر زن و مرد واجب کرده است و به دلیل ویژگی جسم زن، دامنه پوشش او را فراتر از پوشش مرد تعیین کرده است (ر.ک به: اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۴ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۸۶). قرآن کریم پس از واجب کردن پوشش بر زنان، می‌فرماید: «این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است» (احزاب: ۵۹)؛ یعنی حجاب نوعی اعلان مقاومت در برابر افراد هوسران و بیماردل است و نشانه پاکدامنی و تقید فرد و انزجار او از انحرافات جنسی است و این رادع بزرگی برای بسیاری از منحرفان جنسی است که نسبت به افراد باحجاب طمع نکنند.

### ۲-۱-۲-۱-۲. دوری از خلوت با نامحرم

از آموزه‌های دیگر اسلام در امر پیشگیری از جرم زنا و دیگر اعمال منافی عفت، ممنوع کردن زن و مرد بیگانه از خلوت کردن با یکدیگر است؛ اگرچه هیچ‌یک قصد سوئی از این خلوت نداشته باشند؛ خلوتی که امکان حضور فرد سومی - هرچند طفل ممیزی - به طور معمول در آن نباشد؛ زیرا چنین حضور و خلوتی ممکن است باعث ظهور افکار انحرافی در طرفین یا یکی از آنها شود و زمینه جرم زنا یا دیگر جرایم منافی عفت را مهیا سازد. از پیامبر اسلام ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است: «هیچ مرد و زنی با هم خلوت نمی‌کنند، مگر اینکه نفر سوم آنها شیطان است» (ر.ک به: ابن حنبل، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۶ / نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۶۵).

از این رو، فقیهان امامیه و اهل سنت، خلوت کردن مرد با زن نامحرم را تحریم کرده‌اند؛ در واقع خلوت کردن به گونه‌ای باشد که معمولاً امکان ورود فرد دیگری در آن مکان نباشد (ر.ک به: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۴۹ / شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۳۲۴ / نووی، [بی تا]، ج ۴، ص ۱۹۸). البته برخی از فقیهان این تحریم را به وجود خطر فساد مشروط کرده‌اند (ر.ک به: سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۶ / خوئی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱۸). نکته دارای اهمیت اینکه حتی برخی در استدلال بر تحریم به اینکه چنین خلوتی از مقدمات قریب جرم زناست، استناد کرده‌اند (ر.ک به: خوئی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱۸).

### ۲-۱-۲-۱-۳. دفاع مشروع

در سیاست جنایی اسلام به فرد این اختیار داده شده است که با شرایطی در مقابل خطری که عرض و ناموس او یا دیگری را تهدید می‌کند، دفاع کند؛ حتی در شرایطی این دفاع واجب است (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۱۶).

همه پنج مورد پیش گفته می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بزه‌دیده واقع شدن فرد داشته باشد که برخی از آنها جنبه مقدماتی و برخی دیگر نقش و ارتباط مستقیم دارد.

### ۲-۱-۲-۲. نقش شهروندان و نهادهای مدنی و دولتی

یکی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، مرحله عمل است که خود به دو قسم تقسیم می‌شود:



نخست، اقدام عملی برای پیشگیری از ارتکاب جرم؛ مانند ایجاد مانع میان فرد و ارتکاب جرم، دورکردن او از موقعیت ارتکاب جرم، دفاع از آماج و...  
 همه شهروندان، نهادهای مدنی و نهادهای دولتی - البته در حدود وظایف قانونی خود - مکلف‌اند این نوع از امر به معروف و نهی از منکر را به منظور پیشگیری از ارتکاب جرم انجام دهند.  
 دوم، اقدام به ضرب و جرح که این نوع مختص نهادهای مشخص دولتی است و در سیاست کیفری باید از آن سخن گفت.

## ۲-۲. تدابیر کیفری

چنانچه برنامه‌های تدبیرشده در مراحل گوناگون برای بازداشتن فرد از بزهکاری مفید واقع نشود و مؤثر نیفتد، سیاست جنایی اسلام به عنوان آخرالدواء الکی، به مجازات توجه کرده است که این سیاست در سه مرحله قابل بررسی است:

### ۲-۲-۱. در مرحله تقنین

مجازات‌های در نظر گرفته‌شده در سیاست جنایی اسلام برای مبارزه با جرایم جنسی با توجه به نوع جرم ارتكابی، شرایط و وضعیت مرتکب آن و تأثیر آن در جریحه‌دارکردن عفت عمومی، متنوع و وسیع است که نشان از جامعیت، اتقان و دقت این سیاست دارد؛ زیرا به وخامت جرم، موقعیت و اوضاع و احوال مجرم و اصلاح و جامعه‌پذیری مجدد او در موارد ممکن توجه خاص مبذول داشته است. این مجازات‌ها عبارت‌اند از:

۱. رجم برای مرد یا زنی که به رغم محصن‌بودن، مرتکب زنا می‌شود (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۱۸ / جزیری، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۶۵-۶۷)؛ یعنی فردی که همسر دائمی دارد و با او رابطه جنسی برقرار کرده است و در زمان ارتکاب زنا نیز مانعی از برقراری رابطه جنسی با همسر برایش وجود نداشته است؛ در عین حال رابطه نامشروع جنسی را بر رابطه مشروع ترجیح داده است که بیان‌گر لایبالی‌گری، ناسازگاری اجتماعی و حالت خطرناک وی است.

## ۲-۲-۲. اعدام برای چند گروه

اول، زناکنندگان با محارم (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۰۹ / جزیری، [بی تا]، ج ۵، ص ۱۰۴): حرمت محارم موضوعی است که همه خود را به رعایت آن ملزم می‌دانند. حتی برخی که در مظان تجویز ازدواج با محارم‌اند، از نسبت چنین مطلبی واهمه دارند؛ بنابراین فردی که به رغم جرم‌انگاری چنین عملی، دامن به آن ملوث می‌کند، بسیار ضدا اجتماعی می‌نماید.

دوم، زنای به عنف (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۱۵): تجاوز جنسی به عنف یکی از معدود جرایم جنسی است که قوانین کیفری همه کشورها آن را جرم می‌دانند. سیاست جنایی اسلام نیز قبح و آثار مخرب آن را نسبت به فرد بزه‌دیده و جامعه شدیدتر ارزیابی می‌کند. این آثار شاید هیچ‌گاه از روح و روان بزه‌دیده برطرف نشود؛ علاوه بر اینکه به احساس امنیت افراد جامعه به ویژه زنان لطمه وارد می‌سازد که به سادگی قابل ترمیم نیست؛ لذا برای آن مجازات سنگین‌تری وضع کرده است.

سوم، زنا مکرر (ر.ک به: همان، ص ۳۳۱): کسی که بارها زنای ساده مرتکب شود و پس از هر بار ارتکاب جرم، دستگیر، محاکمه و مجازات شود؛ ولی بار دیگر دست به ارتکاب آن بزند. این روحیه بیانگر حالت خطرناک و عدم جامعه‌پذیری اوست. بر همین اساس، موضع سیاست جنایی اسلام نسبت به چنین افرادی تشدید مجازات است.

چهارم، زنا مرد غیرمسلمان با زن مسلمان (ر.ک به: همان، ص ۳۱۳): غیرمسلمانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کند، متعهد است که به مقررات اسلامی احترام بگذارد. یکی از این مقررات، عدم جواز ازدواج مرد غیرمسلمان با زن مسلمان است. حال اگر مرد غیرمسلمانی بدون ازدواج با زن مسلمانی رابطه جنسی برقرار کند، جرم سنگین‌تری را مرتکب شده است که مجازات آن اعدام است.

پنجم، لواط (ر.ک به: همان، ص ۳۷۸): رابطه جنسی مرد با مرد، خروج از جریان طبیعی خلقت است. علاوه بر قبح ذاتی عمل، شیوع آن باعث تهدید نسل خواهد شد؛ لذا در سیاست جنایی اسلام برای آن مجازات اعدام پیش‌بینی شده است.

### ۲-۲-۳. شلاق برای برخی از منحرفان جنسی

اول، زناى غيرمحصن (ر.ک به: شهيد ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۰۲ / جزيری، [بی تا]، ج ۵، ص ۶۸): اگر مرد یا زنی بدون علف و داشتن شرایط احصان، مرتکب جرم زنا شود، هرچند عملش قبیح و ناقض ارزش‌های جامعه است؛ ولی به لحاظ شرایطی که در آن قرار دارد، مجازات سبک‌تری برایش وضع شده است.

دوم، همجنس‌بازی زنان (ر.ک به: حلی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۹۴۲): اگرچه قبیح و آثار سوء رفع نیاز جنسی زنان از راه همجنس به اندازه همجنس‌بازی مردان نیست؛ ولی خروج از جریان طبیعی خلقت بوده، جرم است. به همین دلیل برای آن مجازات خفیف‌تری در نظر گرفته شده است.

سوم، ارتکاب زنا به وسیله پیرمرد یا پیرزن دارای شرایط احصان (خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۶۳ و ۴۶۴): فردی که از یک سو، در کهنسالی به سر می‌برد و از هیجانات غرایز جنسی در دوران جوانی رهیده است و از سوی دیگر، همسر دائمی دارد و مانعی از برقراری رابطه جنسی با او ندارد، در عین حال به رغم همه تدابیر غیرکیفری پیش‌بینی‌شده در سیاست جنایی اسلام، برای دوری از زنا، دامن خود را به جرم زنا آلوده می‌کند، نشان می‌دهد حالت بسیار خطرناکی دارد؛ بنابراین برای چنین فردی علاوه بر مجازات رجم، مجازات شلاق نیز مقرر شده است.

چهارم، تبعید: مردی که همسر دائمی دارد، اگر پیش از برقراری رابطه جنسی با او مرتکب جرم زنا شود، مجازات زناکار محصن را ندارد؛ ولی علاوه بر مجازات شلاق، برای وی مجازات تبعید نیز مقرر شده است (همان، ص ۴۶۴).

اما چون مهم‌ترین هدف از اجرای این مجازات‌ها اصلاح بزهکار و بازجامعه‌پذیری اوست، چنانچه اثر اصلاح در او پدیدار شود، مجازات‌های مذکور از او برداشته می‌شود. نخستین گام برای اصلاح و جامعه‌پذیری، پشیمانی است. پشیمان‌شدن بزهکار از نقض مقررات و ارزش‌هایی که مرتکب شده است و اولین مرتبه از توبه نیز همین است. گفتمنی است قرآن کریم همواره توبه بزهکار را همراه با عمل صالح او مورد توجه قرار داده است؛ زیرا اگر توبه و پشیمانی از عمل نادرست واقعی باشد، ناگزیر به دنبال آن، عمل صالح از فرد بروز خواهد کرد که اثر جدایی‌ناپذیر پشیمانی واقعی

است؛ پس چنانچه بزه‌کار به طور واقعی از گذشته‌اش پشیمان شد و اثر آن در رفتار اجتماعی‌اش نمایان گشت، توجیهی برای مجازات او در بزه‌هایی که دارای جنبه حق‌الناسی نیست، وجود ندارد. بر همین اساس سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی به سقوط مجازات‌های مذکور در صورت پشیمانی و بازگشت (توبه) بزه‌کار از بزه ارتكابی توجه کرده است.

از این رو مقرر داشته است، چنانچه زن یا مرد زناکار (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۸) و همین‌طور مرتکب لواط یا تفریض (ر.ک به: همان، ص ۳۸۷) و یا مساحقه (ر.ک به: همان، ص ۳۹۰)، پیش از ثبوت جرم از راه شهادت توبه کند، مجازات نسبت به او اجرا نمی‌شود، یا اگر کسی اقرار به جرم زنایی کند که مجازاتش رجم یا قتل است، سپس انکار کند، مجازات نسبت به او اجرا نمی‌شود (ر.ک به: خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۶۰). همین‌طور اگر کسی به زنا یا محصنه اقرار کند و هنگام اجرای مجازات بتواند از گودال رجم فرار کند، اجرای مجازات رجم متوقف می‌شود (ر.ک به: همان، ص ۴۶۶) و یا چنانچه شهودی که شهادت به زنا یا محصنه دادند، هنگام اجرای مجازات رجم فرار کنند، مجازات اجرا نخواهد شد (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۶۴)، بلکه سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی فراتر از این رفته است و توصیه اکید دارد و به بیان روشن‌تر، واجب کرده است مرتکب جرایم جنسی در صورت پشیمانی، نباید بزه ارتكابی خود را نزد هیچ‌کس فاش کند و آنگاه توبه کند. او باید با بزه‌پوشی، میان خود و خدایش توبه کند تا حرمت و شخصیت انسانی و اجتماعی او در جامعه مخدوش نشود.

امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود: «کسی که اعمال کثیفی چون زنا و شرب خمر انجام داد، باید آن را مخفی نگه دارد، چنان‌که خداوند آن را مخفی نگه داشته است؛ زیرا آشکارکردن عمل زشت، ارتکاب عمل زشت دیگری است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۲۵۴).

در چنین صورتی، حتی دیگران نیز به فرض اطلاع‌یافتن، باید بنا بر بزه‌پوشی بگذارند تا علاوه بر حفظ حرمت بزه‌کار، باعث اشاعه فحشا در جامعه و شکستن قبح عمل نادرست نشوند: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع

یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید» (نور: ۱۹).

#### ۲-۲-۴. در مرحله دادرسی

بر اساس سیاست جنایی اسلام، در موارد وجود شبهه، قاضی باید طبق قاعده درء مجازات را از متهم دفع کند. این موارد بدین شرح‌اند:

۱. ادعای عدم علم: چنان‌که گفته شد، یکی از شرایط مسئولیت کیفری، علم به حکم است. بر این اساس اگر مرتکب جرایم جنسی، ادعای عدم علم کند حتی اینکه این ادعا فقط از سوی یکی از طرفین ارتکاب جرم باشد، برابر قاعده درء، قاضی نمی‌تواند او را مجازات کند (ر.ک به: خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۵۶)؛ زیرا او با عدم علم، نسبت به تکلیف (حرمت عمل) شبهه داشته است.

۲. ادعای اشتباه: از آنجا که در مسئولیت کیفری علاوه بر علم به حکم، علم به موضوع نیز شرط است، چنان‌چه مرتکب جرایم جنسی، ادعای اشتباه در موضوع کند و قاضی احتمال صدق او را در این ادعا بدهد، مجازات اعمال نمی‌شود (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۶۴)؛ زیرا با ادعای او و احتمال صدق ادعا نزد قاضی، برای وی در استحقاق مجازات مرتکب، شک ایجاد می‌شود و برابر قاعده درء، در چنین موردی مجازات قابل اجرا نیست.

۳. ادعای اکراه: یکی دیگر از شرایط مسئولیت کیفری، اختیار است و فرد فاقد اختیار، مسئولیتی ندارد. حال اگر کسی ادعای اکراه در ارتکاب جرایم جنسی را داشته باشد و قاضی به دروغ بودن ادعایش یقین نداشته باشد، حق اعمال مجازات را ندارد (ر.ک به: خوئی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۱)؛ زیرا ادعای اکراه، باعث ایجاد شک نزد قاضی در مجرمیت مرتکب می‌شود و در این صورت، قاعده درء اجازه اعمال مجازات را به قاضی نمی‌دهد.

#### ۲-۲-۵. در مرحله اجرا

در سیاست جنایی اسلام، امام این اختیار را دارد که در برخی موارد چنان‌چه به مصلحت فرد و جامعه تشخیص دهد، مرتکب جرایم جنسی را از مجازات معاف کند

که این موارد عبارت‌اند از:

۱. جرم زنا: اگر فردی مرتکب جرم زنا شود و با اقرارش جرم اثبات شود، در صورت توبه کردن از جرم ارتكابی، امام می‌تواند مجازات را از او بردارد (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۹۳).
۲. جرم لواط و تفخیز: در جرم لواط یا تفخیز نیز در صورت اثبات جرم با اقرار مرتکب و توبه کردن او پس از اثبات، امام اختیار دارد او را از مجازات معاف گرداند (ر.ک به: همان، ص ۳۸۷).
۳. جرم مساحقه: اگر با اقرار زنی جرم مساحقه اثبات شود، در صورتی که پس از اقرار، توبه کند، امام می‌تواند دستور سقوط مجازات وی را بدهد (ر.ک به: همان، ص ۳۹۰)؛ زیرا یکی از اهداف مجازات، اصلاح بزهکار است و توبه او می‌تواند نشانه حرکت او به سوی اصلاح باشد؛ بنابراین این اختیار به امام داده شده است تا اگر موانع دیگری نباشد و مصلحت فرد یا جامعه اقتضا کند، بزهکار را از قید مجازات برهاند.

## نتیجه

سیاست جنایی اسلام در قبال غریزه جنسی، سیاستی اعتدالی و واقع‌بینانه است که ضمن پذیرش آن به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر در حیات فردی و اجتماعی انسان، می‌کوشد با به‌کارگیری موضعی سازنده و هدایت‌گر، راه سرکشی و زیاده‌خواهی را به روی آن سد کند و بر همین اساس، منطقه ممنوع رفتار جنسی را به طور دقیق مشخص کرده است و تدابیر متنوعی را برای ممانعت انسان از ورود به این منطقه پیش‌بینی کرده است.

سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی تدابیری را در سه گام طولی طراحی کرده است: در گام نخست، تلاش دارد با تدابیری منطبق بر جنبه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی انسان، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی غریزه جنسی بالا ببرد و بدین‌وسیله یک نیروی کنترل درونی در افراد ایجاد کند تا او بدون نیاز به نیروی کنترل بیرونی، از ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی دوری‌گزیند؛ در گام بعدی می‌کوشد با سخت‌کردن دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس‌العمل

تدافعی برای افراد در معرض تعرض، اشخاص در مظان ارتکاب جرم را از اجرایی کردن افکار مجرمانه خود بازدارد و در گام سوم، به عنوان آخرین راه، با وضع تدابیر کیفی متناسب با انواع جرایم جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم، درصدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است.

## منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابي شيبه الكوفى، عبدالله؛ المصنف؛ ج ٣، ج ١، قم: دارالفكر، ١٤٠٩ق.
٣. ابن عبدالبر؛ يوسف بن عبدالله؛ التمهيد؛ ج ٥، مغرب: وزارة عموم الاوقاف والشؤون الاسلاميه، ١٣٨٧.
٤. ابن اثير الاجزرى، مبارك بن محمد؛ النهاية؛ ج ٤، قم: مؤسسه اسماعيليان، ١٣٦٤.
٥. ابن انس، مالك؛ المدونة الكبرى؛ مصر: السعاده، [بى تا].
٦. ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد؛ بيروت: دار صادر، [بى تا].
٧. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الكبرى؛ ج ٣، بيروت: دار صادر، [بى تا].
٨. ابن عابدين، محمدامين؛ حاشية ردالمحتار على الدرالمختار؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٩. ابن قدامه، عبدالرحمن؛ الشرح الكبير؛ ج ٤ و ١٠، بيروت: دارالكتاب العربى، [بى تا].
١٠. ابن قدامه، عبدالله؛ المغنى؛ ج ٧، بيروت: دارالكتاب العربى، [بى تا].
١١. ابوالبركات، سيدى احمد الدردير؛ الشرح الكبير؛ بيروت: دار احياء الكتب العربيه، [بى تا].
١٢. احسائى، ابن ابي جمهور؛ عوالى اللئالى؛ ج ١، قم: مطبعة سيدالشهداء، ١٤٠٣ق.
١٣. اربلى، على بن عيسى؛ كشف الغمه؛ ج ٢، بيروت: دارالاضواء، ١٤٠٥ق.
١٤. اردبيلى، احمد (محقق اردبيلى)؛ مجمع الفائدة والبرهان؛ قم: جامعه مدرسین، ١٤٠٣ق.
١٥. اندلسى، على بن احمد بن سعيد بن حزم؛ المحلى؛ بيروت: دارالفكر، [بى تا].
١٦. بحراني، يوسف؛ حدائق الناضرة؛ قم: مؤسسه نشر اسلامى، [بى تا].
١٧. بيهقى، احمد بن حسين؛ سنن الكبرى؛ بيروت: دارالفكر، [بى تا].



۱۸. جزیری، عبدالرحمن؛ الفقه علی المذاهب الاربعه؛ بیروت: شركة دارالارقم بن ابی الارقم، [بی تا].
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ ج ۴، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۲۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق.
۲۱. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۲۲. حلّی، ابن فهد؛ المهذب البارع؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۲۳. حلّی، جعفر بن حسن؛ المختصر النافع؛ ج ۲، تهران: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۰ق.
۲۴. —؛ المعتمد فی شرح المختصر؛ قم: مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۴.
۲۵. —؛ شرافع الاسلام؛ ج ۲، ج ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۲۶. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تذکره الفقهاء؛ ج ۲، محل نشر: منشورات المكتبة الرضویة، [بی تا].
۲۷. —؛ قواعد الاحکام؛ ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۸. —؛ مختلف الشیعه؛ ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۹. حلّی، محمد بن ادريس؛ السرائر؛ ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۳۰. خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، [بی تا].
۳۱. خوانساری، سید احمد؛ جامع المدارک؛ ج ۲، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق.
۳۲. خوئی، سید ابوالقاسم؛ كتاب النکاح؛ قم: مدرسه دارالعلم - دارالهادی، ۱۴۰۷ق.
۳۳. —؛ مبانی تکملة المنهاج؛ قم: مدرسه دارالعلم - دارالهادی، ۱۴۰۷ق.
۳۴. —؛ مصباح الفقاهه؛ ج ۳، [بی جا]: وجدانی، ۱۳۷۱.
۳۵. دهنخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهنخدا؛ ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۶. راسل، برتراند؛ زناشویی و اخلاق؛ ترجمه ابراهیم یونسی؛ ج ۱، [بی جا]: اندیشه، ۱۳۴۷.
۳۷. زحیلی، وهبه؛ الفقه الاسلامی و ادلته؛ ج ۴، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۳۸. —؛ قضايا الفقه والفکر الاسلاميه؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۸ق.

٣٩. سبزواری، محمدباقر؛ ذخیره المعاد فی شرح الارشاد؛ [بی جا]: مؤسسه آل البيت، [بی تا].
٤٠. سجستانی، سلیمان بن اشعث؛ سنن ابی داود؛ ج ١، [بی جا]: دارالفکر، ١٤١٠ق.
٤١. سرخسی، شمس الدین؛ المبسوط؛ ج ٥، بیروت: دارالمعرفه، ١٤٠٦ق.
٤٢. سیستانی، سیدعلی؛ المسائل المنتخبه؛ ج ٣، [بی جا]: [بی نا]، ١٤١٤ق.
٤٣. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الجامع الصغیر؛ ج ٢، ج ١، بیروت: دارالفکر، ١٤٠١ق.
٤٤. شافعی، محمد بن ادريس؛ کتاب الأم؛ ج ٢ و ٤، ج ٢، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٤ق.
٤٥. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی؛ الروضة البهیة؛ ج ٥، ج ١، قم: انتشارات داوری، ١٤١٠ق.
٤٦. —؛ مسالک الافهام؛ ج ١٤، ج ١، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، ١٤١٣ق.
٤٧. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی؛ المقنع؛ قم: مؤسسه امام هادی ؑ، ١٤١٥ق.
٤٨. —؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ٢، قم: جامعه مدرسین، ١٤٠٤ق.
٤٩. طباطبائی، سیدعلی؛ ریاض المسائل؛ ج ١، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٢ق.
٥٠. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ١، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ق.
٥١. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ ج ١، مؤسسه البعثه، ١٤١٤ق.
٥٢. —؛ التبیان؛ ج ١، [بی تا]: مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٩ق.
٥٣. —؛ الخلاف؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٧ق.
٥٤. —؛ المبسوط؛ ج ٢، تهران: المکتبه المرتضویه، ١٣٨٧ق.
٥٥. —؛ النهايه؛ قم: انتشارات قدس محمدی، [بی تا].
٥٦. فاضل الآبی، حسن بن ابی طالب؛ کشف الرموز؛ ج ١، قم: جامعه مدرسین، ١٤١٠ق.
٥٧. فقه الرضا (الفقه المنسوب للإمام الرضا ؑ)؛ ج ١، مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا ؑ، ١٤٠٦ق.
٥٨. کرکی، علی بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ١، قم: مؤسسه آل البيت، ١٤٠٨ق.

۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الاصول من الکافی؛ ج ۵ و ۲، چ ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۶۰. اللیثی الواسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم والمواعظ؛ چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.
۶۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ چ ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۶۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی؛ احکام النساء؛ [بی جا]: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، [بی تا].
۶۳. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ ج ۲۹، ۳۸ و ۴۱، چ ۲، محل نشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۶۴. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، چ ۱، بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۶۵. نووی، محی الدین بن شرف؛ المجموع شرح المذهب؛ [بی جا]: دارالفکر، [بی تا].

